



EUROPEAN COURT OF HUMAN RIGHTS
COUR EUROPÉENNE DES DROITS DE L'HOMME

راهنمایی بر ماده 4

کنوانسیون اروپایی

حقوق بشر

منع بردگی و کار اجباری

بروز رسانی در 31 دسامبر 2021

این راهنما در واحد ثبت تهیه شده است و دادگاه را ملزم نمی سازد.



از ناشران یا سازمان‌هایی که مایل به ترجمه و/یا انتشار تمام یا بخشی از این راهنما در قالب یک نشریه چاپی یا الکترونیکی می باشند، دعوت می‌شود برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد فرایند صدور مجوز از طریق آدرس ذیل تماس برقرار سازند؛ publishing@echr.coe.int.
اگر می‌خواهید بدانید کدام ترجمه‌های راجع به راهنمایی بر رویه های قضایی در حال حاضر در حال انجام است، لطفاً به [ترجمه‌های در حال اقدام](#) مراجعه کنید.

این راهنما در اصل به زبان انگلیسی تدوین شده است. این متن در تاریخ 31 دسامبر 2021 نهایی گردید و بطور مرتب بروز رسانی خواهد شد. این راهنما ممکن است در معرض تجدیدنظر ویراستاری قرار گیرد.

این سند برای دانلود بروی <http://www.echr.coe.int/> موجود است (رویه قضایی - تحلیل رویه قضایی - راهنمایی بر رویه قضائی). به منظور انتشار نسخه بروز رسانی شده این سند لطفا حساب توییت دادگاه <https://twitter.com/echrpublication> را دنبال کنید.

این ترجمه با هماهنگی شورای اروپا و دادگاه اروپایی حقوق بشر منتشر شده است و مسئولیت آن صرفاً بر عهده [محسن مرهونی] می باشد.

© شورای اروپا / دادگاه اروپایی حقوق بشر، 2022

فهرست مطالب

یادداشتی برای خوانندگان	4
1. اصول کلی	5
الف. ساختار ماده 4	5
ب. اصول تفسیر	6
ج. زمینه خاص قاچاق انسان	6
2. منع بردگی و کار اجباری	8
الف. رهایی از بردگی یا بندگی	8
1. بردگی	8
2. بندگی	8
ب. رهایی از کار اجباری یا قهری	9
ج. تعیین حدود	12
1. کار در جریان حبس یا آزادی مشروط	12
2. خدمات نظامی یا خدمات مدنی جایگزین	13
3. خدمات ضروری در مواقع اضطراری یا فجایع	14
4. تعهدات معمول مدنی	14
3. تعهدات مثبت	15
الف. تعهدات مثبت در ایجاد یک سازوکار قانونی و نظارتی	15
ب. تعهدات مثبت در اتخاذ اقدامات عملیاتی	16
ج. تعهدات شکلی در انجام تحقیقات	18
فهرست پرونده های استنادی	20

یادداشتی برای خوانندگان

این راهنما بخشی از مجموعه راهنماهای حقوقی می باشد که توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر (از این پس "دادگاه"، "دادگاه اروپایی" یا "دادگاه استراسبورگ") منتشر شده است تا فعالین حقوقی را در مورد احکام و تصمیمات اساسی صادره توسط دادگاه استراسبورگ مطلع سازد. این راهنمای خاص، رویه قضایی راجع به ماده 3 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (از این پس "کنوانسیون" یا "کنوانسیون اروپایی") را تحلیل و جمع بندی می نماید. خوانندگان در اینجا به اصول کلیدی در این زمینه و سوابق مربوطه پی خواهند برد.

رویه قضایی مورد استناد از میان احکام و تصمیمات اصلی، عمده و/یا اخیر انتخاب شده است.¹

احکام و تصمیمات دادگاه اروپایی حقوق بشر نه تنها بمنظور تصمیم گیری در مورد پرونده های مطرح شده نزد آن دادگاه صادر می شود، بلکه بطور کلی تر، بمنظور تبیین، تضمین و توسعه قواعد مقرر در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز بکار می رود و بدین وسیله به رعایت تعهدات توسط دولت ها به عنوان طرف های متعاقد کمک می کند [Ireland v. the United Kingdom](#), § 154, Series A no.25, 18 January 1978, و [Jeronovičs v. Latvia](#) [GC], § 109, no. 44898/10, 5 July 2016.

بنابراین، رسالت و هدف اصلی دادگاه استراسبورگ به موجب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، تعیین مسائل مرتبط با سیاست عمومی در راستای منافع همگانی می باشد، که در نتیجه، موجب ارتقاء معیارهای حمایت از حقوق بشر و گسترش رویه قضایی راجع به این حقوق در سرتاسر جامعه کشورهای عضو این کنوانسیون می گردد ([Konstantin Markin v. Russia](#) [GC], § 89, no. 30078/06, ECHR 2012). در واقع، این دادگاه بر نقش کنوانسیون به عنوان "سند ساختار اساسی نظم عمومی اروپا" در زمینه حقوق بشر تاکید نموده است ([Bosphorus Hava Yolları Turizm ve Ticaret Anonim Şirketi v. Ireland](#) [GC], no. 45036/98, § 156, ECHR 2005-VI, and [N.D. and N.T. v. Spain](#) [GC], nos 8675/15 and 8697/15, § 110, 13 February 2020).

این راهنما حاوی ارجاعاتی به کلمات کلیدی برای هر ماده مندرج در کنوانسیون و پروتکل های الحاقی آن می باشد. مسائل حقوقی مورد بررسی در هر پرونده در [فهرستی از کلمات کلیدی](#) در یک فرهنگ جامع اصطلاحات منتخب جمع آوری می شود (که در بیشتر موارد) مستقیماً از متن کنوانسیون و پروتکل های آن اخذ گردیده است.

[پایگاه داده HUDOC](#) راجع به رویه قضایی دادگاه، جستجو با این کلمات کلیدی را امکان پذیر می سازد. جستجو با این کلمات کلیدی امکان یافتن گروهی از اسناد با محتوای قانونی مشابه را فراهم می سازد (استدلال و نتیجه گیری دادگاه در هر پرونده از طریق کلمات کلیدی جمع بندی می شود). با کلیک بر روی برجسب Case Details در HUDOC می توان کلمات کلیدی را برای هر پرونده جداگانه پیدا کرد. برای اطلاعات بیشتر در مورد پایگاه داده HUDOC و کلمات کلیدی، لطفاً به [راهنمای کاربر HUDOC](#) مراجعه کنید.

¹. لینک پرونده های استناد شده در نسخه الکترونیکی این راهنما به متن احکام و تصمیمات صادره توسط دادگاه و گزارش ها یا تصمیمات کمیسیون اروپایی حقوق بشر (از این پس "کمیسیون") به زبان انگلیسی یا فرانسوی (دو زبان رسمی دادگاه) اشاره دارد. تمام ارجاعات مربوط به حکمی است که توسط یک شعبه دادگاه صادر شده است، مگر اینکه برخلاف آن ذکر شده باشد. مخفف (dec.) نشان می دهد که استناد به یک "تصمیم" شعبه دادگاه (بدوی) می باشد و (GC) نشان می دهد که پرونده توسط شعبه عالی دادگاه رسیدگی شده است. احکام شعب بدوی که در زمان انتشار این بروز رسانی قطعی نباشند با نشان ستاره (*) مشخص می شوند.

1. اصول کلی

ماده 4 کنوانسیون - منع بردگی و کار اجباری

- (1) هیچ کسی را نمی بایست در بردگی یا بندگی قرار داد؛
- (2) هیچ کسی را نمی بایست ملزم به انجام کار اجباری یا بیگاری نمود؛
- (3) در راستای اهداف این ماده، عبارت "کار اجباری یا قهری" نمی بایست شامل موارد ذیل گردد:
 - الف) هر کاری که شخصی به هنگام بازداشت مطابق با مفاد ماده 5 این کنوانسیون یا در طول دوران آزادی مشروط ناشی از چنین بازداشت هایی، ملزم به انجام آن می باشد؛
 - ب) هر نوع خدمت نظامی یا در مورد مامورین وظیفه در کشورهایی که خدمت غیرنظامی اجباری به جای خدمت نظامی اجباری، به رسمیت شناخته می شود؛
 - ج) هر نوع خدمت تحمیلی در وضعیت های اضطراری یا فجایعی که زندگی و رفاه جامعه را تهدید می کند؛
 - د) هر نوع کار یا خدمتی که بخشی از تعهدات معمول مدنی را شکل می دهد.

کلید واژه های پایگاه داده HUDOC

بردگی (4-1) - بندگی (4-1) - قاچاق انسان (4-1) - کار اجباری (4-1) - کار قهری (4-2) - کار در طول مدت حبس (3-4-الف) - کار در طول مدت آزادی مشروط (3-4-الف) - خدمات نظامی (3-4-ب) - خدمات مدنی جایگزین (3-4-ب) - خدمات در جریان وضعیت های اضطراری (3-4-ج) - خدمات در جریان فجایع طبیعی (3-4-ج) - تعهدات مدنی معمول (3-4-د).

الف. ساختار ماده 4

1. ماده 4 همراه با مواد 2 و 3 این کنوانسیون، یکی از ارزش های بنیادین جوامع دموکراتیک را پاس می دارند (Siliadin v. France, § 112; Stummer v. Austria, § 116).
2. بند اول این ماده مقرر می دارد که: "هیچ کسی را نمی بایست به بردگی و بندگی گرفت". برخلاف بسیاری از مفاد اساسی این کنوانسیون، بند اول ماده 4، هیچ شرطی را برای استثنا نمودن و عدول از مفاد آن مقرر نمی دارد و همچنین بموجب بند دوم ماده 15 این کنوانسیون، عدول از مفاد این بند از ماده، حتی در شرایط اضطراری عمومی و تهدید کننده حیات ملت، جایز نمی باشد (C.N. v. the United Kingdom, § 65; Stummer v. Austria, § 116).
3. بند دوم ماده 4 این کنوانسیون، کار اجباری یا قهری را ممنوع می دارد (Ibid). مفهوم "کار اجباری یا قهری" به موجب ماده 4 در پی حمایت از افراد در برابر مصادیق استثمار جدی می باشد، صرف نظر از اینکه، در شرایط خاص یک پرونده، به زمینه خاص قاچاق انسان مرتبط باشد (Zoletic and Others v. Azerbaijan, § 148). چنین رفتارهایی ممکن است دارای مولفه هایی باشد که به موجب ماده 4، به عنوان "بردگی" یا "بندگی" تعریف می شوند، یا ممکن است موضوعی را بر اساس مواد دیگر این کنوانسیون مطرح سازند (S.M. v. Croatia (GC), §§ 300 and 303).
4. بند سوم ماده 4 این کنوانسیون در پی محدود نمودن اعمال این حقوق تضمین شده بموجب بند دوم نمی باشد، بلکه گستره ی مفاد همان حق مندرج در آن بند را مشخص می سازد؛ چرا که ماده 4 به همراه بند دوم، یک کل را تشکیل می دهد و مقرر می دارد که چه مواردی شامل اصطلاح کار اجباری یا قهری نمی شود (Ibid, § 120).

ب. اصول تفسیر

5. دادگاه استراسبورگ هرگز مواد و مقررات این کنوانسیون را بعنوان تنها مرجع و منبع تفسیر حقوق و آزادی های مندرج در آن نمی داند. این دادگاه بطور مکرر اظهار داشته است که یکی از اصول عمده و اساسی راجع به کاربرد مواد این کنوانسیون این است که آن مواد و مقررات را نمی بایست در شرایط خلاء گونه، اعمال نمود. این کنوانسیون نیز بعنوان یک معاهده بین المللی می بایست در پرتو قواعد تفسیر مندرج در کنوانسیون وین مصوب 23 مه 1969 راجع به مقررات معاهدات، تفسیر نمود. بر اساس کنوانسیون وین، دادگاه استراسبورگ می بایست معنای معمولی که به کلمات در چارچوب هر ماده داده شده است را در پرتو مقصود و منظوری که برای آن ماده منظور شده است- تعیین نماید. دادگاه استراسبورگ می بایست به این حقیقت توجه نماید که مفاد هر ماده، پیمانی برای حمایت موثر از حقوق بشر می باشد. بدین منظور، این کنوانسیون می بایست بعنوان یک کل به گونه ای تفسیر و قرائت گردد که یکپارچگی، انسجام و هماهنگی درونی بین مواد مختلف آن را تقویت نماید. همچنین می بایست هر گونه قواعد و اصول مربوط به حقوق بین الملل که در روابط بین طرف های متعاقد این کنوانسیون قابل اعمال می باشند نیز مورد توجه قرار گیرند و مضاف بر آن، مفاد این کنوانسیون می بایست تا جایی که ممکن است در هماهنگی و مطابقت با قواعد حقوق بین المللی که از آن تشکیل شده است- تفسیر گردد. هدف و مقصود از این کنوانسیون، به عنوان ابزار و سندی برای حمایت از حقوق بشر- مستلزم آن است که مواد آن به گونه ای تفسیر و اعمال شوند که ضمانت های مندرج در این کنوانسیون در راستای حمایت از حقوق بشر موثر و عملی گردد (Rantsev v. Cyprus and Russia, § 273-275).

6. به هنگام تفسیر مفاهیم موضوع ماده 4 این کنوانسیون، دادگاه استراسبورگ به اسناد بین المللی نظیر کنوانسیون برده داری مصوب سال 1926 (Siliadin v. France, § 122)، کنوانسیون الحاقی راجع به لغو برده داری و تجارت برده و نهادها و روبه های مشابه راجع به برده داری (C.N. and V. v. France, § 90)، کنوانسیون (ILO) شماره 29 (کنوانسیون کار اجباری) (Van Der Musselle v. Belgium, § 32)، و کنوانسیون شورای اروپا راجع به اقدام علیه قاچاق انسان و پروتکل جلوگیری، سرکوب و مجازات قاچاق انسان به ویژه کودکان و زنان که کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته بین المللی را تکمیل می کند- استناد می نماید ("پروتکل پارمو") (Rantsev v. Cyprus and Russia, § 282) 2000.

7. در مقابل، از آنجایی که صلاحیت دادگاه استراسبورگ محدود به این کنوانسیون می باشد، بنابراین، این دادگاه صلاحیتی برای تفسیر مفاد اسناد بین المللی مانند کنوانسیون مبارزه با قاچاق، یا ارزیابی پیروی و متابعت دولت های خواننده از استانداردهای مندرج در آن اسناد را ندارد (V.C.L. and A.N. v. the United Kingdom, § 113).

8. ویژگی های خاص این کنوانسیون را نباید نادیده انگاشت و یا اینکه نباید این حقیقت را از نظر دور داشت که این کنوانسیون بعنوان سندی پویا و زنده می باشد که می بایست با توجه به شرایط امروزی تفسیر شود و همچنین نباید این حقیقت را نادیده انگاشت که به طور فزاینده ای استاندارد های عالی مورد لزوم در حوزه حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی به هنگام ارزیابی های راجع به نقض ارزش های بنیادین جوامع دموکراتیک به طور اجتناب ناپذیری و به نسبت، مستلزم قطعیت و ثبات بیشتری می باشند (Siliadin v. France, § 121; Stummer v. Austria, [GC], § 118).

ج. زمینه خاص قاچاق انسان

9. در ماده 4 به قاچاق انسان هیچ اشاره ای نشده است، فقط به منع "بردگی"، "بندگی" و "کار اجباری و بیگاری" پرداخته است (Rantsev v. Cyprus and Russia, § 272).

10. قاچاق انسان با توجه به ماهیت و هدف خود مبنی بر سوء استفاده و استثمار مبتنی بر اعمال قدرت و اختیارات مربوط به حق مالکیت می باشد. به هنگام ارتکاب این جرم به انسان به عنوان کالایی نگریسته می شود که می توان آن را خرید و فروش نمود و به کار اجباری با حقوق کم یا بدون هیچ پرداختی از جمله معمولا در صنعت سکس یا همچنین در جاهایی دیگر گمارد. این به معنای نظارت دقیق بر فعالیت های قربانیانی است که حرکت و رفت و آمد آنان اغلب محدود و مشخص شده است. همچنین این شامل استفاده از خشونت و تهدید علیه قربانیانی است که در شرایط بسیار بد و نامناسب به کار مشغولند و زندگی می کنند. در گزارش توضیحی ضمیمه کنوانسیون مبارزه با قاچاق، قاچاق انسان به عنوان شکل مدرن تجارت قدیمی برده در سراسر جهان توصیف شده است (M. and Others v. Italy and Bulgaria, § 151; Ibid, § 281). تردیدی نیست که قاچاق انسان، کرامت انسانی و آزادی های بنیادی قربانیانش را تهدید می کند و نمی توان آن را با مفاهیم جوامع دموکراتیک و ارزش های مندرج در این کنوانسیون، سازگار دانست (Rantsev v. Cyprus and Russia, § 282).

11. در پرونده S.M. v. Croatia {GC}، دادگاه استراسبورگ تصریح نمود که رفتار یا وضعیتی ممکن است منجر به طرح مسئله ای در خصوص قاچاق انسان بر اساس ماده 4 این کنوانسیون گردد، تنها در صورتی که هر سه عنصر تشکیل دهنده تعریف بین المللی قاچاق انسان، به موجب کنوانسیون مبارزه با

قاچاق انسان و پروتکل پالمو وجود داشته باشد: (1) یک اقدام (استخدام، حمل و نقل، انتقال، پناه دادن یا تحویل افراد)؛ (2) ابزارها (تهدید یا استفاده از زور یا سایر اشکال اجبار، آدم ربایی، کلاهبرداری، فریب، سوء استفاده از قدرت یا وضعیت افراد آسیب پذیر، دادن یا دریافت پول یا منافع برای کسب رضایت شخصی که کنترل بر شخص دیگری دارد)؛ (3) یک هدف استثمار (شامل حداقل، بهره برداری سوء از دیگران از طریق فحشاء یا سایر اشکال استثمار جنسی، کار یا خدمات اجباری، بردگی یا اعمال مشابه بردگی، بندگی یا برداشتن اعضای بدن) (§§ 290 and 303). از منظر ماده 4، مفهوم قاچاق انسان به قاچاق انسان در سطح ملی و فراملی مربوط می شود، صرف نظر از اینکه با جنایات سازمان یافته مرتبط باشد یا نباشد (§§ 296 and 303). همچنین پرونده *Zoletic and Others v. Azerbaijan*, § 155 مشاهده کنید).

12. در حالی که قاچاق انسان در محدوده ماده 4 این کنوانسیون قرار می گیرد، اما این امکان را رد نمی کند که در شرایط خاص یک پرونده، شکل خاصی از یک رفتار مرتبط با قاچاق انسان ممکن است مسئله ای را بر اساس ماده دیگری از کنوانسیون نیز مطرح نماید (*S.M. v. Croatia* {GC}, §§ 297 and 303). این سوال که آیا یک موقعیت خاص همه عناصر تشکیل دهنده "قاچاق انسان" را در بر دارد یا بطور مجزا موضوعی راجع به روسپیگری اجباری را مطرح می سازد، در واقع سوالی واقعی است که می بایست در پرتو همه شرایط و اوضاع و احوال مربوط به یک پرونده بررسی نمود (§§ 302-303; *ibid.* و پرونده *Zoletic and Others v. Azerbaijan*, § 157).

2. منع بردگی و کار اجباری

الف. رهایی از بردگی یا بندگی

<p>بند اول ماده 4 این کنوانسیون</p> <p>"1. هیچ کسی را نمی بایست به بردگی یا بندگی گماشت"</p>
<p>کلمات کلیدی در پایگاه داده HUDOC</p> <p>بردگی (4-1) - بندگی (4-1) - قاچاق انسان (4-1)</p>

1. بردگی

13. دادگاه استراسبورگ به هنگام بررسی گستره مفهوم "بردگی" به موجب ماده 4 این کنوانسیون، به تعریف کلاسیک بردگی مندرج در کنوانسیون برده داری مصوب سال 1926 اشاره می کند؛ این کنوانسیون بردگی را به عنوان وضعیت یا شرایط یک شخص که بر او اعمال مالکیت همه جانبه و بسیار می گردد، می داند (Siliadin v. France, § 122).

14. در پرونده Siliadin v. France، که در آن شاکی، یک تبعه توگولیایی هجده ساله، مجبور به روزی 15 ساعت کار به عنوان یک خدمتکار خانگی برای سالها بدون مرخصی و هر گونه پرداختی گردیده بود. دادگاه استراسبورگ مقرر داشت که رفتار تحمیلی بر وی تلقی بندگی و کار اجباری و بیگاری دارد، اگرچه اندکی کمتر از مفهوم بردگی می باشد. از سویی این دادگاه اضافه نمود که اگرچه شاکی آشکارا محروم از استقلال فردی خود بوده است، لیکن در شرایط بردگی آنگونه که کاملاً بلحاظ قانونی تحت مالکیت کسی باشد قرار نداشت. از این رو، موقعیت وی به وضعیت یک شی تقلیل یافته بود (§ 122).

15. در پرونده راجع به ادعای قاچاق یک دختر خردسال، دادگاه استراسبورگ همچنین معتقد است که مدارک و ادله ی کافی مبنی بر قرار گرفتن وی در شرایط بردگی وجود ندارد. این دادگاه همچنین مقرر می دارد که حتی چنانچه با فرض اینکه پدر قربانی مبلغی پول در ازای ازدواج مورد ادعای آن دختر خردسال دریافت کرده باشد با توجه به شرایط و اوضاع و احوال این پرونده چنین کمک مالی نمی تواند به معنای انتقال مالکیت فرد از خود به فرد دیگری باشد. از این رو، به معنا و مفهوم بردگی نمی باشد. در این رابطه، دادگاه استراسبورگ مجدداً تأکید می نماید که ازدواج واجد پیوندهای عمیق اجتماعی و فرهنگی می باشد که ممکن است بطور گسترده ای از یک جامعه به جامعه متفاوت باشد. بنابراین، این پرداخت به طور منطقی می تواند به عنوان تقدیم یک هدیه از یک خانواده به خانواده دیگر پذیرفته شود و سنتی معمول در بسیاری از فرهنگ های مختلف در جوامع امروزی باشد (M. and Others v. Italy and Bulgaria, § 161).

2. بندگی

16. حال، در راستای اهداف این کنوانسیون، "بندگی" به معنای تعهد یک شخص به ارائه خدمت توأم با اعمال زور و اجبار می باشد و با مفهوم "بردگی" مرتبط است (Seguin v. France, (dec), § 124; Siliadin v. France).

17. با توجه به مفهوم "بندگی"، آنچه ممنوع شده است، در واقع، به طور خاص شکل جدی نفی آزادی می باشد. این نوع از نفی جدی آزادی، علاوه بر تعهد و الزام به انجام خدمات خاص برای دیگران، شامل تعهد یک "بنده" برای زندگی در مالکیت دیگری و عدم امکان تغییر شرایط برای وی می باشد (Ibid, § 123).

18. دادگاه استراسبورگ خاطرنشان می سازد که بندگی شکل خاصی از کار اجباری یا قهری، یا، به عبارتی دیگر، کاری به موجب زور و اجباری شدید می باشد. در واقع، ویژگی بنیادی و متمایز بین مفهوم بندگی و کار اجباری یا قهری در چارچوب مفاد ماده 4 این کنوانسیون، در این احساس قربانی نهفته است که وی می پذیرد شرایطش دائمی می باشد و بعید است که این اوضاع تغییر کند. بنابراین، دادگاه استراسبورگ مقرر می دارد که این احساس مبتنی بر

معیار عینی فوق یا ایجاد شده و یا همچنان حفظ شده توسط افراد مسئول آن شرایط، برای احراز مفهوم بندگی کافی می باشد (*C.N. and V. v. France*, § 91).

19. در این رابطه، دادگاه استراسبورگ تاکید می نماید که بندگی خانگی جرمی خاص می باشد که متمایز از قاچاق انسان و استثمار است و مستلزم مجموعه ای پویا و فعال از انواع و اشکال آشکار و بسیار ظریفی از اجبار جهت واداشتن فرد با زور و اجبار به متابعت و پیروی می باشد (*C.N. and V. v. the United Kingdom*, § 80).

20. در پرونده *Siliadin v. France*، دادگاه استراسبورگ معتقد است که شاکی در بندگی نگه داشته شده است؛ چرا که علاوه بر این حقیقت که او ملزم به انجام کار اجباری گردیده، وی فردی کم سن و سال می باشد که هیچ پشتیبانی نداشته، آسیب پذیر و تنها بوده و هیچ وسیله امرار و معاش و جایی برای زندگی به جز جایی که به لطف آنها در آن جا کار می کرد، نداشت، بنابراین، کاملا وابسته به آنها بدون هر گونه آزادی رفت و آمد و زمان فراغت می بود (§§ 126-127). همچنین پرونده *C.N. and V. v. France*، را مشاهده کنید که دادگاه استراسبورگ دریافت که شاکی اول علیرغم شاکی دوم به بندگی گرفته شده بود (§§ 92-93).

ب. رهایی از کار اجباری یا قهری

<p>بند دو ماده 4 کنوانسیون</p> <p>"2. هیچ کسی را نمی بایست ملزم به انجام کار اجباری یا قهری نمود".</p>
<p>کلمات کلیدی در پایگاه داده HUDOC</p> <p>کار قهری (4-2) - کار اجباری (4-2)</p>

21. بند دوم ماده 4 این کنوانسیون، کار اجباری یا قهری را منع می نماید (*Stummer v. Austria*, [GC], § 117). با این حال، ماده 4 کار اجباری یا قهری را تعریف نمی کند و در واقع هیچ تعریفی از کار اجباری و قهری ارائه نمی دهد. همچنین در این خصوص در اسناد مختلف شورای اروپا مرتبط با پیش نویس مقدماتی تدوین کنوانسیون اروپایی حقوق بشر هیچ اشاره یا راهنمایی نشده است (*Van Der Musselle v. Belgium*, § 32).

22. در پرونده *Van der Musselle v. Belgium*، دادگاه استراسبورگ به کنوانسیون ILO شماره 29 راجع به کار اجباری و قهری استناد کرده بود. در راستای اهداف آن کنوانسیون، اصطلاح "کار اجباری یا قهری" به معنای "کلیه کارها و خدماتی است که بر یک شخص در معرض تهدید و یا هر گونه مجازات، تحمیل شده است و اینکه آن شخص مذکور خود به طور داوطلبانه اقدام ننموده است". بنابراین، دادگاه استراسبورگ این تعریف را به عنوان نقطه شروعی برای تفسیر خود راجع به بند دوم ماده 4 این کنوانسیون در نظر گرفته است (*Graziani-Weiss v. Austria*; *ibid*), [GC], *Stummer v. Austria*, § 118; §§ 26-27 (dec.), *Adiguzel v. Turkey* همراه با پرونده های استناد شده در آن).

23. در پرونده *S.M. v. Croatia* (GC)، دادگاه استراسبورگ تصریح می کند که مفهوم "کار اجباری یا قهری" به موجب ماده 4 با هدف حمایت در برابر مصادیق سوء استفاده جدی، نظیر روسپیگری اجباری، بکار می رود، صرف نظر از اینکه، در شرایط و اوضاع و احوال خاص یک پرونده، این گونه سوء استفاده ها به زمینه خاص قاچاق انسان مرتبط می باشند یا خیر (به بند سوم در بالا مراجعه کنید).

24. درست است که کلمه انگلیسی "Labour" اغلب به مفهومی مضیق تحت عنوان کار دستی (یدی) بکار می رود، اما این کلمه همچنین مفهوم موسع کلمه فرانسوی "Travail" را نیز دربرمی گیرد که می بایست همین مفهوم و معنای فرانسوی آن در ساختار و متن این کنوانسیون اتخاذ گردد. دادگاه استراسبورگ گواهی بر این موضوع را در تعریف مندرج در بند اول ماده 2 کنوانسیون ILO شماره 29 (کلمه فرانسوی "Tout Travail ou Service" را در زبان انگلیسی معادل هر گونه کار و خدماتی می داند) و در تعریف مندرج در بند سوم (d) ماده 4 کنوانسیون اروپایی (کلمه "هر گونه کار یا خدمتی" در انگلیسی را به معنای کلمه فرانسوی "tout travail ou service" می داند) یافت، درست مانند نام سازمان بین المللی کار ILO که به هیچ وجه فعالیت های خود را محدود به کار دستی (یدی) نمی سازد (*Van Der Musselle v. Belgium*, § 33).

25. برای روشن نمودن مفهوم "Labour" مندرج در بند دوم ماده 4 این کنوانسیون، دادگاه استراسبورگ تاکید کرده است که همه کارهایی که یک شخص در معرض تهدید به مجازات به اجبار انجام می دهد، لزوماً "کار اجباری یا قهری" تلقی نمی شود و بوسیله مفاد این ماده منع نمی شود، مولفه هایی که می بایست در این میان در نظر گرفته شود از جمله شامل نوع و میزان کار مربوطه می باشد. این مولفه ها به تمایز بین مفهوم "کار اجباری" و "مساعدتی" که می توان به طور منطقی از سایر اعضا خانواده یا افرادی که محل اقامتشان را با دیگران شریک می باشند انتظار داشت، کمک می کند. در همین راستا، در پرونده "*Van Der Musselle v. Belgium*"، دادگاه استراسبورگ مفهوم "بار نامتناسب" را برای بررسی این حقیقت بکار می برد که آیا به کار گماردن و ملزم نمودن یک وکیل توسط دادگاه به عنوان وکیل تسخیری و بدون دستمزد جهت دفاع از موکلانش را می توان به عنوان کار اجباری تلقی نمود (39 § C.N. and V. v. France, § 74).

26. اولین صفت تحت عنوان "Forced"، ایده محدودیت ذهنی یا جسمی را به ذهن متبادر می سازد. در مورد صفت دوم یعنی "Compulsory"، نمی توان صرفاً به هر نوع اجبار یا تعهد قانونی اشاره کرد. به عنوان مثال، کارهای انجام شده پیرو قراردادی که به طور رایگان منعقد گردیده است را نمی توان در چارچوب مفاد ماده 4 این کنوانسیون تلقی نمود، صرفاً به این دلیل که یکی از طرفین دیگری را ملزم و متعهد به انجام آن کار نموده و چنانچه آن شخص انجام دهنده به تعهد خود عمل ننماید نسبت به اعمال ضمانت اجرای مندرج در آن قرارداد اقدام می نماید (34 § *Van Der Musselle v. Belgium*). آنچه می بایست محقق شود کاری است که تحت شرایط تهدید به هر گونه مجازات می بایست انجام شود یا همچنین کاری که بر خلاف میل و اراده شخص مربوطه انجام می شود؛ عبارتی کاری است که بابت آن شخص خود بطور داوطلبانه اقدام ننموده است (*Ibid*).

27. دادگاه استراسبورگ خاطر نشان ساخت که در گزارش جهانی کنفرانس بین المللی کار تحت عنوان "هزینه اجبار" در سال 1999، کلمه "Penalty" به معنای "مجازات" در مفهومی موسع بکار می رود، آنگونه که با کاربرد اصطلاح "هر گونه مجازات" تایید گردید. بنابراین، دادگاه استراسبورگ معتقد است که مفهوم "Penalty" ممکن است تا حد خشونت یا محدودیت فیزیکی در نظر گرفته می شود. اما این مفهوم را می توان به اشکالی غیر مستقیم و نامحسوس تر از لحاظ روحی و روانی نظیر تهدید به معرفی قربانیان به پلیس یا مقامات اداره مهاجرت در زمانی که وضعیت اشتغال آنها غیرقانونی می باشد- نیز در نظر گرفت (77 § *C.N. and V. v. France*). در زمینه تن فروشی اجباری، دادگاه استراسبورگ تاکید کرد که "زور" ممکن است شامل اشکال نامحسوس رفتار اجباری باشد که در رویه قضایی دادگاه استراسبورگ بر اساس ماده 4 و همچنین توسط ILO و در سایر اسناد بین المللی شناسایی شده است (*S.M. v. Croatia* [GC], § 301).

28. دادگاه استراسبورگ اولین معیار را تحت عنوان "تهدید به هر گونه مجازات" در پرونده "*Van Der Musselle v. Belgium*" احراز نمود، جایی که شاکی بعنوان یک وکیل کارآموز، در معرض این خطر قرار داشت که نام وی از فهرست وکلا خارج و یا تقاضایش برای ثبت در دفتر وکلا رد شود (35 §). یا در پرونده "*Graziani-Weiss v. Austria*"، جایی که در آن امتناع و خودداری شاکی که یک وکیل می باشد برای اقدام بعنوان یک سرپرست (قیم) منجر به اعمال مجازات های انضباطی گردید (39 §) و همچنین در پرونده *C.N. and V. v. France*، شاکی تهدید شده بود که به کشور مبدا خود بازگردانده می شود (78 §).

29. در پرونده "*Siliadin v. France*"، دادگاه استراسبورگ معتقد است که اگرچه شاکی- بعنوان فردی کم سن و سال- به مجازاتی تهدید نشده بود، اما این واقعیت را نمی شود انکار کرد که وی در وضعیت برابر و معادلی به لحاظ جدیت تهدید فرضی قرار داشت؛ چرا که او دختر نوجوانی بود که در سرزمین خارجی، در قلمرو فرانسه، به طور غیرقانونی حضور داشت و در ترس از بازداشت توسط پلیس قرار داشت. از این رو، ترس وی بیشتر شده بود و وی را به این باور می رساند که قانون نسبت به وی اعمال می گردد (118 §).

30. در مقابل در پرونده راجع به شکایت "*Tibet Mentees and Others v. Turkey*" (68 §)، دادگاه استراسبورگ خاطر نشان ساخت که شکایت کارگران فروشگاههای فرودگاه- با وجود موافقت داوطلبانه با شرایط شیفت کاری بیست و چهار ساعته خود از عدم پرداخت اضافه کاری شان شکایت داشتند. علاوه براین، هیچ گونه نشانه ای از هر گونه اجبار فیزیکی و روانی جهت واداشتن شکات به کار اضافه وجود نداشت. صرف این احتمال که آنها ممکن بود اخراج می شدند در صورتی که از پذیرش آن شرایط کاری امتناع می ورزیدند- از نظر دادگاه استراسبورگ با مفهوم "تهدید به هر گونه مجازات" در راستای مفاد ماده 4 این کنوانسیون مطابقت نداشت. از این رو، دادگاه استراسبورگ این دیدگاه را اتخاذ نمود که اولین معیار محقق نگردیده است و شکایت آنان را به دلیل فقدان دلیل و مبنای منطقی و ناسازگار با مفاد ماده 4 این کنوانسیون رد نمود.

31. در پرونده "*Adiguzel v. Turkey* (dec.)"، شاکی - پزشک قانونی- بود، شکایت کرد که وی ملزم به انجام کار در خارج از ساعات کار مقرر و بدون هر گونه پرداختی بعنوان اضافه کاری گردیده بود. دادگاه استراسبورگ نیز مقرر داشت که شاکی با انتخاب خودش جهت کار بعنوان کارمند شهرداری می بایست از ابتدا می دانست که او ممکن است مجبور و ملزم به انجام کار خارج از ساعات مقرر بدون پرداخت اضافی گردد. علاوه براین، حتی چنانچه هر گونه جبران

خسارت یا اضافه کاری اساساً وجود نمی‌داشت شاکی می‌توانست مرخصی جبرانی بگیرد که او هرگز چنین تقاضایی ننموده است. بنابراین، او نمی‌توانست ادعا کند که تحت فشارهای نامتناسب قرار داشته است. از این رو، خطر کم کردن حقوقش یا حتی اخراج وی در صورت امتناع از کار در خارج از ساعات کاری مقرر دلیل کافی نمی‌باشد برای این نتیجه‌گیری که کار وی تحت شرایط تهدید به مجازات انجام شده است. با توجه به موارد فوق، دادگاه استراسبورگ این دیدگاه را اتخاذ نمود که خدمت و انجام وظیفه اضافی که شاکی ملزم به انجام آن شده بود تلقی کار اجباری و قهری نمی‌باشد. از این رو، دادگاه این شکایت را به دلیل فقدان مبنای منطقی و عدم تطابق با مفاد ماده 4 این کنوانسیون رد نمود (§§ 30-35).

32. در خصوص معیار دوم یعنی اینکه آیا شاکی به طور داوطلبانه خود را برای کارهای مورد بحث پیشنهاد کرده است (*Van Der Mussele v. Belgium*, § 36)، دادگاه استراسبورگ این معیار را مورد توجه قرار داد، اما اهمیت و ارزش تعیین‌کننده‌ای به مولفه رضایت قبلی شاکی برای انجام کارهایی که وی ملزم به انجام آن شده بود، قائل نشد (*Adiguzel v. Turkey*, (dec.), § 30; *Graziani-Weiss v. Austria*, § 40; *ibid*).

33. در مقابل، دادگاه استراسبورگ، با توجه به اهداف اساسی ماده 4 این کنوانسیون به هنگام بررسی راجع به اجباری بودن یا نبودن خدمت انجام شده توسط فرد- به همه شرایط و احوال پرونده مطروحه توجه می‌نماید (*ibid*)، پاراگراف 37؛ (*Bucha v. Slovakia* (dec.)). دادگاه استراسبورگ برای ارزیابی معمول و متعارف بودن وظایف محول شده به اعضای یک حرفه خاص، این موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهد که آیا خدمات ارائه شده به موجب آن وظایف، خارج از محدوده و گستره فعالیت‌های معمولی آن شخص مورد نظر می‌باشد یا خیر- و اینکه آیا این خدمات پاداشی یا وجهی به آن تعلق می‌گیرد یا خیر یا اینکه آیا این خدمات مشمول عوامل جبرانی نظیر اضافه حقوق و موارد این چنینی می‌گردد یا خیر؟ و اینکه آیا این تعهد مبتنی بر تصور همبستگی اجتماعی می‌باشد یا خیر و اینکه آیا بار و فشار تحمیل شده نامتناسب است یا خیر (*Grazian-Weiss v. Austria*، پاراگراف 38، (*Mihal v. Slovakia* (dec.))، پاراگراف 64).

34. در مواردی که به یک کارمند برای انجام کار داوطلبانه اش وجهی پرداخت نمی‌شود و در این میان استحقاق وی برای دریافت هر گونه وجهی مورد اختلاف نمی‌باشد هیچ مسئله و موضوعی به موجب مفاد ماده 4 این کنوانسیون قابل طرح و بررسی نمی‌باشد. (*Sokur v. Ukraine* (dec.))، جایی که شاکی به اشتغال در قسمتی که دارای درآمد کم تر بود منتقل شد و یا در پرونده (*Antonov v. Russia* (dec.)) جایی که قانون تامین اجتماعی، شاکی را ملزم به اخذ و پذیرفتن هر نوع کار بدون در نظر گرفتن این مسئله که آیا آن کار مناسب هست یا نه و اینکه در صورت امتناع از انجام چنین کاری با کاهش منابع و مزایا مواجه می‌گردد یا خیر- می‌نمود (*Schuitemaker v. the Netherlands* (dec.))، جایی که شاکی- بعنوان یک سردفتر- ملزم به دریافت‌های کمتر از سازمان‌های غیردولتی و غیر انتفاعی می‌گردید (*X. v. Germany*, Commission decision) یا در مواردی که شاکی درباره ناعادلانه بودن کار و شرایط پرداخت اعمال شده توسط دولت بر بستگان افراد معلول بعنوان افرادی همراه و کمک‌کننده به آنها شکایت کرده بود (*Radi and Gherghina v. Romania* (dec.)). در مقابل دادگاه استراسبورگ مقرر داشت که در پرونده راجع به شکایت "*Chowdury and Others v. Greece*"، وضعیت شکات بعنوان- مهاجران غیرقانونی- که در شرایط جسمی دشواری و بدون مزد تحت سرپرستی و نظارت نگهبانان مسلح در صنعت پرورش توت فرنگی در منطقه خاصی از یونان کار می‌کنند- تلقی کار اجباری و قاچاق انسان را دارد.

ج. تعیین حدود

بند سوم ماده 4 کنوانسیون

"3- در راستای اهداف این ماده، عبارت "کار اجباری و بندگی" نمی بایست شامل موارد ذیل باشد؛
الف) هر کاری که در جریان معمول تحمل حبس مطابق با ماده 5 این کنوانسیون یا در طول دوران آزادی مشروط از چنین حبس هایی انجام آن الزامی می باشد.
ب) هر نوع خدمت واجد ماهیت نظامی یا در مورد ماموران وظیفه در کشورهایی که خدمت غیرنظامی اجباری به جای خدمت نظامی اجباری به رسمیت شناخته می شوند.
ج) هر نوع خدمت غیرنظامی که در وضعیت اضطراری یا فاجعه و بلایایی که زندگی و رفاه جامعه را تهدید می کند.
د) هر نوع کار یا خدمتی که بخشی از تعهدات معمول مدنی را شکل می دهد.

کلمات کلیدی در پایگاه داده HUDOC

کار الزامی برای زندانیان (الف-4-3) - کار الزامی در حین آزادی مشروط (الف-4-3) - خدمات دارای ماهیت نظامی (ب-4-3) - خدمات مدنی جایگزین (ب-4-3) - خدمات انجام شده در موارد اضطراری (ج-4-3) - خدمات انجام شده در موارد فجایع طبیعی (ج-4-3) - تعهدات مدنی معمول (د-4-3)

35. بند سوم ماده 4 بعنوان کمکی برای تفسیر بند دوم این ماده عمل می کند. چهار بخش بند سوم، با وجود تنوع آنها، بر باورهای حاکم بر منافع عمومی، همبستگی اجتماعی و آنچه در جریان انجام امور معمول و متعارف می باشد- استوار است (Van der Mussele v. Belgium, § 38; Karlheinz Schmidt v. Germany, § 22; Zarb Adami v. Malta, § 44).

1. کار در جریان حبس یا آزادی مشروط

36. به موجب رویه دادگاه استراسبورگ، بند سوم ماده 4 دلالت بر آن دارد که "کار اجباری یا قهری" شامل هر گونه کار انجام شده در جریان تحمل حبس و یا در طول دوران آزادی مشروط نمی گردد (Stummer v. Austria [GC], § 119).

37. در خصوص تعیین اینکه انجام چه کارهایی به هنگام بازداشت و حبس الزامی می باشد، دادگاه استراسبورگ به معیارهای حاکم در هر یک از کشورهای عضو این کنوانسیون توجه می نماید (ibid., § 128).

38. برای مثال، هنگامی که دادگاه استراسبورگ می بایست بررسی نماید که آیا کاری که یک مجرم سابقه دار زندانی ملزم به انجام آن در هنگام آزادی مشروطی با این شرط که می بایست مبلغ معینی پس انداز جمع آوری کند- نقض ماده 4 می باشد یا خیر، به این نتیجه می رسد که به دلیل آنکه آن زندانی در آن هنگام خود با پذیرفتن تعهد به انجام آن کار رضایت خود را اعلام داشته است، بنابراین، نقض ماده 4 این کنوانسیون تلقی نمی گردد، به این دلیل که شروط بخش اول بند سوم ماده 4 این کنوانسیون محقق نگردیده است (Van Droogenbroeck v. Belgium, § 59). از نگاه دادگاه استراسبورگ، کار مورد بحث در این مورد از حد معمول فراتر نرفته است؛ چرا که قصد بر آن بوده است که با انجام این امور به زندانی مذکور در بازاجتماعی شدن وی کمک شود و از سویی برای انجام این کارها مبنایی قانونی معادل دیگر کشورهای عضو شورای اروپا مورد توجه قرار گرفته بود (Stummer v. Austria [GC], § 121; De Wilde, Ooms and Versyp v. Belgium, § 90).

39. در خصوص پاداش زندانیان، کمیسیون اروپایی حقوق بشر اظهار داشت که ماده 4 هیچ گونه پاداش و یا اجراتی برای کار زندانیان را شامل نمی شود (Stummer v. Austria [GC], § 122; Twenty-one detained Persons v. Germany, Commission decision). دادگاه استراسبورگ خاطر نشان ساخته است که تحولات و پیشرفت های جدیدی در نگرش به این موضوع به وجود آمده است که به ویژه در قوانین و مقررات زندان راجع به زندان

های اروپا در سال (1987) و سال (2000) منعکس شده است که مستلزم پاداش عادلانه کار برای زندانیان می باشد؛ § 36 (Zhelyazkov v. Bulgaria)؛ § 34 (Floroiu v. Romania (dec.)), با این حال، دادگاه استراسبورگ معتقد است که صرف اینکه به زندانی بابت کاری که انجام داده مبلغی پرداخت نشده است به خودی خود به منزله "کارهایی که در جریان معمول حبس انجام آن از سوی زندانیان الزامی می باشد" - نیست (ibid., § 33).

40. برای مثال در پرونده "Floroiu v. Romania"، دادگاه استراسبورگ اظهار داشته است که زندانیان در مواردی قادر به انجام کار با پرداخت حقوق می گردند یا در مواردی می توانند در انجام کارهای جاری و روزانه زندان کمک کنند که در ازای آن پاداش یا اجرتی به آنها پرداخت نمی شود، لیکن آنها را مستحق کاهش مجازات می نماید. طبق قوانین و مقررات داخلی کشورها، زندانیان می بایست قادر به انتخاب بین این دو نوع کار پس از آگاهی از شرایط قابل اجرا در هر مورد شوند. دادگاه استراسبورگ با توجه به این واقعیت که به شاکی کاهش قابل توجهی در مدت زمان باقیمانده محکومیتش اعطا شده است - مقرر داشت که کار انجام شده توسط وی کاملاً بدون پرداخت اجرت هم نبوده است. بنابراین آن کار انجام شده توسط شاکی می تواند تلقی "کار الزامی در جریان معمول حبس" در راستای مفاد پاراگراف سوم ماده 4 این کنوانسیون باشد. (§§ 35-37).

41. اخیراً از شعبه عالی دادگاه استراسبورگ خواسته شد که به بررسی این مسئله بپردازد که آیا ماده 4 دولت ها را ملزم به گنجاندن کار زندانیان در سیستم تامین اجتماعی و به ویژه در سیستم بازنشستگی می نماید یا خیر؟، شعبه عالی دادگاه استراسبورگ در این خصوص خاطر نشان ساخت در حالیکه اکثریت مطلق دولت های متعاد به نوعی زندانیان را بطرفی تحت پوشش تامین اجتماعی خود قرار داده اند و یا برخی طرح های بیمه را برای آنان مهیا ساخته اند اما تنها موارد کمتری از این کشورها، زندانیانی که در زندان مشغول به کار هستند را تحت پوشش سیستم بازنشستگی قرار داده بودند. بنابراین، قانون اتریش مقرر می دارد که توسعه قوانین اروپا به این معناست که به همه زندانیان خدمات درمانی و مراقبت از تصادفات ارائه می شود و زندانیان شاغل تحت پوشش طرح بیمه بیکاری هستند اما تحت پوشش نظام بازنشستگی نمی باشند. (Stummer v. Austria [GC], § 131). بنابراین، دادگاه استراسبورگ معتقد است که در مورد مسئله پوشش و حمایت از زندانیان شاغل در نظام حقوق بازنشستگی، اجماع کافی وجود ندارد و این دادگاه اظهار می دارد در حالیکه قاعده 26.17 قواعد و مقررات زندان اروپا مقرر می دارد که تا جایی که ممکن است زندانیان شاغل را می بایست مشمول و تحت پوشش نظام تامین اجتماعی قرار داد، این خود بیانگر روند تکامل یافته این شرایط می باشد، اما این را نمی توان به عنوان یک تعهد در راستای مفاد ماده 4 این کنوانسیون تعبیر نمود. در نتیجه کار اجباری انجام شده توسط شاکی به عنوان زندانی بدون آنکه تحت پوشش نظام بازنشستگی قرار بگیرد را می بایست بعنوان "کار الزامی و معمول در جریان تحمل حبس" و در راستای مفاد پاراگراف سوم ماده 4 این کنوانسیون در نظر گرفت (Floroiu v. Romania (dec.)), § 32.

42. در پرونده ای که شاکی درباره الزام زندانیان به انجام کار در زندان پس از رسیدن آنها به سن بازنشستگی شکایت داشته است، دادگاه استراسبورگ پس از توجه به هدف و مقصود از این کار تحمیل شده، ماهیت آن، میزان آن و شیوه انجام آن، همچنین فقدان اجماع میان کشورهای عضو راجع به این مسئله مقرر داشت که هیچ منع مطلق را نمی توان به موجب ماده 4 این کنوانسیون احراز نمود و اینکه کار الزامی و اجباری انجام شده بوسیله شاکی در حالیکه در حبس می باشد شامل انجام کار پس از رسیدن وی به سن بازنشستگی نیز می شود، بنابراین، کار مورد بحث شاکی را می توان به عنوان "کار الزامی و معمول در جریان تحمل حبس" و در راستای مفاد پاراگراف سوم ماده 4 این کنوانسیون تلقی نمود (Meier v. Switzerland, §§ 72-79).

2. خدمات نظامی یا خدمات مدنی جایگزین

43. پاراگراف سوم ماده 4، قلمرو و گستره مفهوم کار اجباری منع شده توسط پاراگراف دوم این ماده را شامل هر گونه خدمت با ویژگی و ماهیت نظامی نمی داند یا در مورد مخالفین خدمت سربازی اجباری در کشورهایی که آنها را به رسمیت شناخته اند، انجام خدمات با ماهیت غیرنظامی از شمول مفهوم کار اجباری مندرج در مفاد ماده 4 مستثنی شده است (Johansen v. Norway, Commission decision; Bayatyan v. Armenia [GC], § 100).

44. در تصمیم کمیسیون اروپایی حقوق بشر راجع به شکایت W., X., Y. and Z. v. the United Kingdom، جایی که شاکیان هنگام ورود و پیوستن به نیروهای مسلح انگلستان نوجوان بودند - کمیسیون اظهار داشت خدماتی که شکات با عضویت در نیروهای مسلح در پی انجام آن می باشند در راستای مفاد پاراگراف سوم ماده 4 مشمول مفاد محدودکننده ای می باشند. بنابراین، چنین شکایت هایی که ادعا می شود این گونه خدمات نوعی کار اجباری تلقی می شوند نیز صحیح نبوده و بر اساس مفاد پاراگراف دوم ماده 4 آشکارا بی اساس و بدون مبنا بوده و رد می گردد.

45. با این حال، کمیسیون اروپایی حقوق بشر اظهار داشته است که اصطلاح "بندگی" و "کار اجباری و قهری" مندرج در ماده 4 از هم متمایز می باشند، اگرچه در حقیقت اغلب آنها می بایست با هم همپوشانی داشته باشند، اما نمی توان آنها را معادل هم تلقی نمود و اینکه شرط استثنا کننده خدمات نظامی از قلمرو اصطلاح کار اجباری، الزاماً، در همه شرایط، بررسی چنین خدماتی را با توجه به ممنوعیت اعلامی علیه بردگی و بندگی رد نمی کند (W., X., Y. and Z. v. the United Kingdom).

ممکن است واجد معنای بردگی و بندگی گردند. این کمیسیون مقرر داشت که به طور کلی وظیفه سربازی که پس از رسیدن به سن بلوغ برای سربازی ثبت نام می کند رعایت شرایط تعهد سربازی اش می باشد و محدودیت های متعاقب آن شرایط بر آزادی های وی و حقوق شخصی اش منجر به نقض حقوقی که تحت اصطلاح بردگی یا بندگی قرار می گیرند- واقع نمی شود (ibid.). این کمیسیون همچنین مقرر داشت که سن کم شکایتی که با رضایت والدینشان وارد خدمت سربازی شده اند را نمی توان در مقابل شرایط معمول یک سرباز، در راستای مفهوم "بندگی" دانست (ibid.).

46. اما اخیراً در پرونده *Chitos v. Greece* که مربوط است به الزام یک افسر ارتش به پرداخت مبلغ قابل توجهی پول به دولت تا به او اجازه دهد تا قبل از پایان دوره قرارداد و خدمتش در ارتش آن جا را ترک کند و به خدمتش پایان دهد. دادگاه استراسبورگ تفسیر ابرازی فوق الذکر توسط کمیسیون اروپایی حقوق بشر را نادیده گرفت و معتقد بود که محدودیت اعمال شده به موجب بند سوم ماده 4 صرفاً نسبت به خدمات نظامی آن هم صرفاً در خصوص سربازگیری و سربازی می باشد و شامل حرفه و شغل نظامیان ارتش نمی گردد و اظهار می دارد که مفاد بخش ب بند سوم ماده 4 می بایست بطور کلی مورد بررسی قرار گیرد. تفسیر و قرائت راجع به تمام بخش ب بند سوم در بستر آن ماده حکایت دارد بر آن که مفاد این بخش نسبت به خدمات نظامی اجباری در کشورهایی که چنین نظام سربازگیری را به رسمیت می شناسد قابل اعمال می باشد، دقیقاً به دو دلیل، اولاً آنکه با اشاره این بخش به مخالفان عقیدتی سربازی اجباری که در اینجا به طور مشخص به سربازی رفته و جزء پرسنل حرفه ای نظامیان نیستند. دوم آنکه با اشاره صریح به اصطلاح "خدمات نظامی غیر اجباری" در پایان این بخش. بنابراین، دادگاه استراسبورگ برای حمایت از این تفسیر خود به کنوانسیون "ILO" شماره 29 و همینطور نظرات اتخاذی کمیته اروپایی حقوق اجتماعی و نظرات اتخاذی کمیته وزرا متوسل می گردد (§§ 83-89).

47. در پرونده فوق الذکر راجع به شکایت *Chitos v. Greece*. دادگاه استراسبورگ مقرر داشت که این برای دولت ها قانونی و مجاز می باشد که دوره خدمت الزامی برای افسران ارتش بعد از تحصیلاتشان تدارک ببینند و همچنین جبران خسارت از سوی افسران ارتش به دلیل استعفای پیش از موعد و زود هنگامشان همگی به منظور پوشش هزینه های مرتبط با تحصیلشان را مقرر دارند، چرا که می بایست تعادلی بین منافع مختلف مربوطه وجود داشته باشد. در شرایط و احوال خاص آن پرونده که دادگاه استراسبورگ نقض بند دوم ماده 4 این کنوانسیون را به دلیل اینکه مقامات بار نامتناسبی را بر شاکه تحمیل نموده اند- احراز می نماید § 109: در مقابل، پرونده (*Lazaridis v. Greece* (dec.)) را ملاحظه کنید.

3. خدمات ضروری در مواقع اضطراری یا فجایع

48. پاراگراف سوم ماده 4 هر گونه خدمات انجام شده در مواقع اضطراری یا فجایعی که حیات یا رفاه جامعه را تهدید می کند از قلمرو و گستره مفهومی کار اجباری یا قهری خارج می کند. در این رابطه، کمیسیون اروپایی حقوق بشر اظهار داشت که تعهد دارنده حق تیراندازی و رها کردن گاز به طور فعالانه در دالان های روبه با عنوان بخشی از مبارزه علیه یک همه گیری، حتی چنانچه تعهد فوق الذکر در چارچوب مفهوم کار اجباری قرار گیرد- به موجب بخش ج پاراگراف سوم ماده 4 که انجام خدماتی را در موارد اضطراری یا فجایعی که حیات یا رفاه جامعه را تهدید می کند مجاز می گردد یا به موجب بخش د پاراگراف سوم ماده 4 که انجام خدماتی را که بخشی از تعهدات مادی و معمول شهروندان می باشد را مجاز می سازد - توجیه می گردد (*S. v. Germany* (Commission decision)). در یک مورد که مربوط است به الزام شاکه به انجام خدمت به مدت یکسال در خدمات دندانپزشکی عمومی و دولتی در شمال نروژ، دو عضو کمیسیون اروپایی حقوق بشر معتقدند که خدمت مورد بحث بلحاظ منطقی خدمتی است که شاکه را در مواقع اضطراری تهدید کننده رفاه جامعه ملزم می سازد و کار اجباری و قهری تلقی نمی گردد (*I. v. Norway*, Commission decision).

4. تعهدات مدنی معمول

49. پاراگراف سوم ماده 4 هرگونه کار یا خدمتی که بخشی از تعهدات معمول مدنی جوامع را تشکیل می دهد از قلمرو و گستره کار اجباری یا قهری مستثنی می سازد. (*Van der Musselle v. Belgium*, § 38).

50. در پرونده راجع به شکایت *Van der Musselle v. Belgium*. دادگاه استراسبورگ پذیرفت که شاکه، بعنوان یک وکیل کارآموز، به دلیل عدم پرداخت دستمزد و بازپرداخت هزینه هایش مورد تبعیض و جانبداری واقع شده بود، اما آن جانبداری همراه با مزایای بود که او از آن برخوردار گردیده و اثبات نشده بود که بیش از حد می باشد. دادگاه استراسبورگ اظهار داشت در حالیکه کار با پاداش نیز ممکن است واجد شرایط کار اجباری باشد، عدم پرداخت دستمزد و بازپرداخت هزینه ها نیز به عنوان یک عامل مهم به هنگام بررسی اینکه چه چیزی در جریان عادی یک شغل متناسب یا معمول می باشد- محسوب می شود. از این رو، دادگاه استراسبورگ اظهار داشت که به شاکه هیچ چیزی پرداخت نشده بود و از سویی به موجب آن کار حقوقی بار نامتناسبی به وی تحمیل نگردیده بود و مضافاً آنکه میزان هزینه هایی که وی مستقیماً به موجب آن کار حقوقی متحمل گردیده نسبتاً کم بود. بنابراین، نتیجه گیری نمود که وی در راستای پاراگراف دوم ماده 4 این کنوانسیون، قربانی کار اجباری نگردیده است. (§§ 34-41).

51. اخیراً، دادگاه استراسبورگ نتیجه گرفته است که تعهد یک پزشک برای مشارکت در خدمات فوریت های پزشکی در راستای اهداف پاراگراف دوم ماده 4 این کنوانسیون، کار اجباری و قهری تلقی نمی گردد و بخش مرتبط با شکایت را به دلیل بی اساس بودن آن، غیرقابل استماع دانسته است (Steindel (v. Germany) (dec.)). در آن پرونده، دادگاه استراسبورگ این شکایت را از جهاتی مرتبط دانست، به ویژه، به دلیل اینکه معتقد است که الف) به خدمات ارائه شده پاداش و دستمزد تعلق خواهد گرفت و این خدمات خارج از گستره فعالیت های حرفه ای معمول یک پزشک قرار نمی گیرد؛ ب) تعهد مورد بحث مبتنی بر مفهوم همبستگی مدنی و حرفه ای و با هدف رفع شرایط اضطراری صورت گرفته است؛ ج) بار تحمیلی بر شاکی نامتناسب نبوده است.

52. کمیسیون و دادگاه اروپایی حقوق بشر همچنین معتقدند که "هر کار یا خدمتی که بخشی از تعهدات معمول مدنی را تشکیل می دهد" شامل موارد ذیل می باشد؛ خدمات الزامی هیئت منصفه؛ (Zarb Adami v. Malta)؛ خدمات اجباری و الزامی آتش نشانی یا کمک مالی که به جای خدمات قابل پرداخت می باشد (Karlheinz Schmidt v. Germany)؛ تعهد به انجام معاینات پزشکی رایگان؛ (Reitmayr v. Austria)؛ تعهد به شرکت در خدمات فوریت های پزشکی (Steindel v. Germany)؛ تعهدات قانونی که بر شرکت ها بعنوان کارفرمایان تحمیل می شود تا برخی هزینه های مالیاتی، کمک های تامین اجتماعی و غیره را محاسبه و از حقوق و دستمزد کارگزارانشان کسر نماید (Four Companies v. Austria, Commission decision).

53. معیارهایی که برای تحدید مفهوم کار اجباری بکار می روند شامل این ایده می باشد که چه چیزی در جریان معمول این کار یا حرفه عادی می باشد؟ کار یا حرفه ای که به خودی خود عادی و معمول است ممکن است در عمل به طور غیرمعمول تلقی شود، چنانچه اختیار و انتخاب گروهها و افراد متعهد به انجام آن تحت تاثیر عوامل تبعیض آمیز و جانبدارانه باشد. بنابراین، در مواردی که دادگاه استراسبورگ هیچ گونه کار اجباری و قهری را در راستای مفاد ماده 4 احراز ننموده باشد، این بدان معنا نمی باشد که حقایق مورد بحث کاملاً خارج از محدوده مفاد ماده 4 و در نتیجه خارج از محدوده مفاد ماده 14 قرار دارند (Zarb Adami v. Malta, § 45; Van der Mussele v. Belgium, § 43). به عنوان مثال، هر گونه تبعیض غیرقابل توجیه بین مردان و زنان در وضع تعهدات مدنی نقض ماده 14 در ارتباط با ماده 4 می باشد. (ibid., § 83; Karlheinz Schmidt v. Germany, § 29).

3. تعهدات مثبت

54. در پرونده راجع به شکایت Siliadin v. France، دادگاه استراسبورگ خاطر نشان ساخت که با توجه به برخی مواد کنوانسیون نظیر ماده 2، 3، 8، این حقیقت که یک دولت از نقض حقوق تضمین شده خودداری می کند برای این نتیجه گیری کافی نیست که تصور شود آن دولت به تعهداتش به موجب ماده 1 این کنوانسیون عمل کرده است (77 §). در همین رابطه، دادگاه استراسبورگ مقرر داشت که رعایت و پیروی محدود و مشخص، نه همه جانبه، مفاد ماده 4 این کنوانسیون صرفاً از طریق اقدام مستقیم مقامات دولتی، در مغایرت با اسناد بین المللی، به طور خاص اسناد راجع به این موضوع می باشد و به منزله بی اثر کردن این اقدام تلقی می گردد. (89 §). بنابراین، دادگاه استراسبورگ مقرر داشته است که دولت ها به موجب مفاد ماده 4 این کنوانسیون تعهدات مثبتی دارند. دو جنبه از این تعهدات مثبت - وظیفه ایجاد سازوکار قانونی و نظارتی و وظیفه اتخاذ اقدامات عملیاتی - که می توان آن دو را به عنوان اقدامات ماهوی توصیف کرد، در حالیکه جنبه سوم مربوط به تعهدات شکلی برای انجام تحقیقات می باشد (S.M. v. Croatia [GC], § 306).

الف. تعهدات مثبت در ایجاد یک سازوکار قانونی و نظارتی

55. ماده 4 مقرر می دارد که کشورهای عضو می بایست به طور موثری هر عملی را که به منظور نگه داشتن شخصی در وضعیت بردگی یا بندگی یا کار اجباری و قهری انجام می شود را تعقیب، محکوم و مجازات نمایند (C.N. v. the United Kingdom, § 66; Siliadin v. France, § 112; C.N. and V. v. France, § 105). بمنظور رعایت این تعهد، کشورهای عضو موظفند برای منع و مجازات چنین اعمالی چارچوبی قانونی و نظارتی ایجاد نمایند (Rantsev v. Cyprus and Russia, § 285).

56. در زمینه خاص قاچاق انسان، دادگاه استراسبورگ تاکید می کند که پروتکل پالرمو و کنوانسیون مبارزه با قاچاق انسان، به ضرورت یک رویکرد جامع برای مبارزه با قاچاق انسان از جمله اتخاذ اقداماتی برای جلوگیری از قاچاق و حمایت از قربانیان، مضاف بر آن اتخاذ اقداماتی جهت مجازات قاچاقچیان اشاره می کند. به عقیده دادگاه استراسبورگ از مفاد و مقررات این دو سند روشن است که کشورهای عضو از جمله تقریباً همه کشورهای عضو شورای اروپا، این ایده را اتخاذ نموده اند که تنها با اتخاذ مجموعه ای از اقدامات نسبت به هر سه جنبه از تعهدات در مبارزه با قاچاق انسان می تواند موثر باشد. بنابراین، دادگاه استراسبورگ تاکید می نماید که وظیفه مجازات و تعقیب کیفری قاچاقچیان تنها یک جنبه از تعهدات کلی کشورهای عضو برای مبارزه با قاچاق انسان می باشد و اینکه میزان تعهدات مثبت ناشی از ماده 4 می بایست در این زمینه موسع تر در نظر گرفته شود (ibid.). بنابراین، دولت های عضو به منظور

رعایت تعهدات مثبت خود ملزم به ایجاد سازوکار قانونی و نظارتی برای جلوگیری و مجازات قاچاق انسان و حمایت از قربانیان می باشد (V.C.L. and (A.N. v. the United Kingdom, § 151).

57. در همین رابطه، دادگاه استراسبورگ اظهار داشته است که طیف و گستره ضمانت های مندرج در قوانین ملی می بایست جهت تضمین حمایت های عملی و موثر از حقوق قربانیان یا قربانیان بالقوه قاچاق انسان کافی باشد. در نتیجه، دادگاه استراسبورگ معتقد است که علاوه بر اتخاذ اقدامات کیفری برای مجازات قاچاقچیان انسان، ماده 4 کشورهای عضو را ملزم می نماید که اقدامات کافی جهت مقرر کردن گذاری مشاغل که اغلب به عنوان پوششی برای قاچاق انسان مورد استفاده قرار می گیرد- اعمال نمایند. علاوه بر این، قوانین مهاجرت یک کشور می بایست نگرانی های راجع به تشویق، تسهیل یا تساهل نسبت به قاچاق انسان را برطرف سازد (Rantsev v. Cyprus and Russia, § 284). مضاف بر آن، دولت ها موظفند آموزش های لازم و مناسبی را برای مقامات مهاجرت و مجریان قانون ارائه دهند (ibid., § 287).

58. دادگاه استراسبورگ تاکید کرده است که اصول فوق الذکر در خصوص قاچاق انسان و در خصوص استثمار افراد از طریق کار دارای اهمیت برابر می باشد. بنابراین، دادگاه استراسبورگ پذیرفت که قاچاق انسان تحت پوشش استخدام افراد به منظور بهره کشی انجام می شود و این استثمار از جمله شامل کار اجباری می باشد. در این رابطه، دادگاه استراسبورگ تاکید کرده است پاراگراف دوم ماده 4 این کنوانسیون دلالت ضمنی بر تعهدات مثبت دولت ها برای پرداختن به این مقوله از قاچاق انسان در ایجاد سازوکاری قانونی و نظارتی جهت جلوگیری از قاچاق و سوء استفاده از کار آن ها و همچنین حمایت از قربانیان و انجام تحقیقات در موارد مورد سوال و مشکوک راجع به ماهیت قاچاق همراه با جنبه مجرمانه و تعقیب کیفری موثر هر گونه اقدامی که در پی ننگ داشتن شخصی در چنین اوضاعی باشد را دارد (Chowdury and Others v. Greece, §§ 86-89 and 103-104).

59. در پرونده (Siliadin v. France § 148)، دادگاه استراسبورگ مقرر داشت که قوانین لازم الاجرا در زمان مقتضی حمایت عملی و موثری از شکات در برابر رفتاری که در چارچوب مفاد ماده 4 این کنوانسیون قرار می گرفت- بعمل نیاورده اند (C.N. v. the United Kingdom, § 76). در حالیکه در پرونده "Rantsev v. Cyprus and Russia" بر مبنای شواهد نزد دادگاه استراسبورگ و با توجه به محدوده صلاحیت قضایی روسیه راجع به واقعیت های خاص این پرونده، دادگاه استراسبورگ مقرر داشت که چنین نقضی در ساختار قانونی و نظارتی روسیه در خصوص قاچاق انسان وجود ندارد. (Ibid., §§ 301-303; V.F. v. France (dec.); J.A. v. France (dec.)). در پرونده "Rantseva" علیه دولت "قبرس"، مقرر گردید که دولت قبرس تعهدات خود را نقض نموده است؛ زیرا علیرغم شواهد مبنی بر قاچاق انسان در قبرس و نگرانی های بیان شده در گزارش های مختلفی مبنی بر اینکه سیاست مهاجرتی قبرس و نواقص و کاستی های قانونی آن باعث ترغیب قاچاق زنان به قبرس می شود و سیستم مهاجرتی قبرس در خصوص اعطای ویزا به هنرمندان زن حمایت عملی و موثری از دختر شاکی خانم Rantseva در برابر قاچاق انسان و سوء استفاده از کار وی به عمل نیاورده است. (§§ 290-293). در پرونده راجع به شکایت "T.I. and Others v. Greece"، دادگاه استراسبورگ معتقد است که ساختار قانونی حاکم بر برخی از رسیدگی های قضایی برای مجازات قاچاقچیان یا تضمین جلوگیری موثر از قاچاق انسان موثر و کافی نبوده است. حال با توجه به قاچاق انسان به منظور سوء استفاده جنسی، این جرم، جرمی جداگانه دارای محدوده زمانی مشخص محسوب نمی شود، و اینکه جرم قاچاق انسان در موارد محدودی نیاز به صدور کیفرخواست دارد و واجد محدوده زمانی کوتاه تری بعنوان مرور زمان برای انجام تحقیقات جهت تعقیب کیفری و خاتمه آن علیه دو متهم می باشد. در پرونده L.E. v. Greece، دادگاه استراسبورگ معتقد است قوانین و مقررات اصلاحی از شاکی حمایت و حفاظت عملی و موثری در برابر قاچاق انسان به منظور سوء استفاده جنسی- بعمل آورده است.

ب. تعهدات مثبت در اتخاذ اقدامات عملیاتی

60. ماده 4 کنوانسیون ممکن است در برخی شرایط یک دولت را ملزم به اتخاذ اقدامات عملیاتی به منظور حمایت از قربانیان یا قربانیان بالقوه رفتار مغایر با مفاد آن ماده نماید (Rantsev v. Cyprus and Russia, § 286؛ C.N. v. the United Kingdom, § 67). برای اتخاذ اقدامات عملیاتی بعنوان تعهدات مثبت ناشی از شرایط آن پرونده خاص، می بایست اثبات شود که مقامات دولتی آگاه بودند یا می بایست آگاه می بودند از شرایطی که منجر به ظن معتبری مبنی بر اینکه یک فرد مشخص در معرض خطر فوری و واقعی ناشی از رفتاری مغایر با مفاد ماده 4 این کنوانسیون قرار داشته است. در صورت پاسخ به تایید آن ادعا، نقض آن ماده توسط مقامات به دلیل عدم اتخاذ اقدامات مقتضی در گستره اختیاراتشان جهت خارج نمودن آن فرد از آن وضعیت یا خطر مذکور- احراز می گردد. (ibid. and V.C.L. and A.N. v. the United Kingdom, § 152).

61. در مورد نوع اقدام عملیاتی که ممکن است به موجب ماده 4 کنوانسیون لازم باشد، دادگاه استراسبورگ این موضوع را در زمینه قاچاق انسان مرتبط و دارای اهمیت می داند که کنوانسیون مبارزه با قاچاق از دولت های عضو می خواهد که طیفی از اقدامات را برای جلوگیری از قاچاق انسان و حمایت از حقوق قربانیان اتخاذ نمایند. این اقدامات پیشگیرانه شامل اقداماتی برای تقویت هماهنگی در سطح ملی بین نهادهای مختلف مبارزه با قاچاق و جلوگیری

از تقاضا برای همه اشکال استثمار از افراد است. اقدامات حمایتی شامل تسهیل شناسایی قربانیان توسط افراد واجد شرایط و کمک به قربانیان در بهبود وضعیت فیزیکی، روانی و اجتماعی آنان می باشد (Ibid, § 153). آسیب پذیری قربانیان قاچاق انسان، به ویژه افراد صغیر، می بایست توسط دولت به هنگام تصمیم گیری در خصوص اتخاذ اقدامات مرتبط مورد توجه قرار گیرد (Ibid, § 161)؛ و همچنین در پرونده *A.I. v. Italy*, §§ 103-104 - که شاکی، قربانی قاچاق انسان، قادر به اعمال حق خود برای تماس با دو فرزند خود برخلاف مفاد ماده 8 این کنوانسیون نبوده است، و در پرونده *N.C. v. Turkey*, § 133، که دولت در خصوص حمایت از یک صغیر در جریان رسیدگی کیفری در رابطه با سوء استفاده جنسی از وی به موجب ماده 3 و 8 این کنوانسیون کوتاهی نموده است.

62. با این وجود، با توجه به مشکلات ناشی از سیاست گذاری در جوامع مدرن و گزینه های عملیاتی که می بایست بلحاظ اولویت ها و منابع صورت پذیرد، تعهد به اتخاذ اقدامات عملیاتی می بایست به گونه ای تفسیر شود که بار غیرممکن یا نامتناسبی را بر مقامات تحمیل ننماید (*C.N. v. the United Kingdom*, § 287؛ *Rantsev v. Cyprus and Russia*, § 68).

63. دادگاه استراسبورگ تصریح نموده است که منع کلی تعقیب قضایی قربانیان قاچاق انسان را نمی توان از کنوانسیون مبارزه با قاچاق انسان یا هر سند بین المللی دیگری تفسیر نمود. با این حال، پیگرد قضایی قربانیان یا قربانیان بالقوه قاچاق انسان ممکن است در برخی شرایط با وظیفه دولت ها برای اتخاذ تدابیر عملیاتی برای محافظت از آنها مغایرت داشته باشد (V.C.L. and A.N. v. the United Kingdom, § 22). در این رابطه، دادگاه استراسبورگ مقرر داشته است که شناسایی زود هنگام قربانیان قاچاق انسان توسط یک مقام ذیصلاح، بر اساس معیارهای مشخص شده در پروتکل پارامو و کنوانسیون مبارزه با قاچاق انسان، از اهمیت بالایی برخوردار می باشد و اینکه هر گونه تصمیم برای پیگرد قانونی می بایست تا حد امکان پس از این ارزیابی اتخاذ شود (V.C.L. and A.N. v. the United Kingdom, §§160-161). دادگاه استراسبورگ همچنین تاکید کرد که پس از ارزیابی قاچاق انسان توسط یک مقام صالح، هر تصمیم متعاقب دادستانی در این خصوص می بایست آن ارزیابی را مورد توجه قرار دهد، البته اگرچه ممکن است دادستان به یافته های حاصل از چنین ارزیابی متعهد نباشد، اما برای مخالفت با آن می بایست دلایل روشنی داشته باشد که مطابق با تعریف قاچاق موجود در اسناد بین المللی فوق الذکر باشد (ibid, § 162).

64. در پرونده راجع به شکایت *Rantsev v. Cyprus and Russia*، قصورها و کوتاهی های مختلفی از سوی پلیس به ویژه در خصوص تحقیق بیشتر راجع به اینکه آیا خانم "Rantsev"، در معرض قاچاق انسان واقع شده است یا خیر؟- انجام شده است، تصمیم برای سپردن وی به مرکز سرپرستی و حضانت "M.A" و عدم رعایت قوانین مختلف داخلی منجر به این می شود که دادگاه استراسبورگ مقرر می دارد که مقامات قبرس نتوانسته اند اقدامات مقتضی در حمایت از خانم "Rantsev" در برابر قاچاق انسان اتخاذ نمایند (§ 298).

65. در پرونده *V.F. v. France*، ضمن آگاهی از مقیاس پدیده قاچاق زنان نیجریه در فرانسه و دشواری هایی که آن افراد در معرفی خودشان به مقامات جهت کسب حمایت از آنان تجربه نمودند، دادگاه استراسبورگ صرفاً می تواند با توجه به شرایط این پرونده خاطر نشان سازد که شاکی تلاش نکرده بود تا در مورد وضعیتش با مقامات پلیس تماس بگیرد و بنابراین، دادگاه استراسبورگ بر این عقیده است که مدارک ارائه شده توسط شاکی برای اثبات اینکه مقامات پلیس هنگامی که قصد اخراج وی را داشتند می دانستند و یا می بایست می دانستند که شاکی قربانی شبکه قاچاق انسان بوده است کافی نمی باشد.

66. در پرونده *Chowdury and Others v. Greece*، دادگاه استراسبورگ مقرر داشت که دولت یونان نتوانسته به تعهدات مثبت خود عمل کند؛ زیرا مقامات از طریق گزارش های رسمی و رسانه ها از وضعیت کارگران مهاجر قبل از حادثه تیراندازی به آنها، کاملاً آگاه بودند، لیکن اقدام به اتخاذ اقدامات مقتضی به منظور جلوگیری از قاچاق انسان و حمایت از شکات بعمل نیاورده بودند (§§ 111-115).

67. در پرونده *V.C.L. and A.N. v. the United Kingdom*، از دادگاه استراسبورگ خواسته شد تا بررسی کند که آیا تعقیب یک قربانی یا قربانی بالقوه قاچاق انسان، مسئله ای را به موجب ماده 4 این کنوانسیون مطرح می کند یا خیر، بر این اساس، این دادگاه دریافت که بریتانیا به وظایف خود طبق ماده 4 مبنی بر اتخاذ تدابیر عملیاتی برای محافظت از شکاتی که افرادی خردسال اهل ویتنام بودند و در کارخانه های حشیش در بریتانیا کار می کردند، کوتاهی نموده است. در این رابطه، دادگاه استراسبورگ مقرر داشت که علیرغم شرایطی که نشان می دهد شکات قربانی قاچاق انسان بوده اند، و بدون اینکه وضعیت آنها به عنوان قربانی قاچاق ابتدا توسط مقام ذیصلاح مورد ارزیابی قرار گرفته باشد، به یک جرم کیفری متهم شده اند. دادگاه استراسبورگ همچنین خاطرنشان ساخت که، حتی اگر متعاقباً شکات توسط آن مقامات به عنوان قربانیان قاچاق انسان شناخته می شدند، این ارزیابی توسط دادسرا و دادگاه

استیناف که تصمیم اولیه برای پیگرد قانونی را بدون ارائه دلایل کافی برای تصمیم خود موجه تشخیص داده بود، نادیده گرفته میشد (§§ 172-173 و 181-182).

68. در مقابل، در پرونده *G.S. v. the United Kingdom*، دادگاه استراسبورگ متقاعد شد که دادگاه استیناف، هنگام امتناع شاکی، به عنوان قربانی بزرگسال قاچاق انسان، از اجازه تجدیدنظرخواهی علیه محکومیت خود در جرایم مرتبط با مواد مخدر، میزان اجبار وی در ارتکاب جرم مورد بحث را مورد بررسی قرار داده بود و به این نتیجه رسید که سطح اجبار به گونه ای نبوده که تقصیر او را مخدوش نماید. بنابراین، دادگاه استراسبورگ روشی را که دادگاه استیناف بوسیله آن مطابقت این وضعیت را با ماده 26 کنوانسیون مبارزه با قاچاق انسان و ماده 8 دستورالعمل مبارزه با قاچاق ارزیابی کرده بود، احراز نموده و مقرر داشت که امتناع از اعطای اجازه تجدیدنظر را نمی توان به عنوان قصور در اتخاذ اقدامات عملیاتی برای حمایت از شاکی به عنوان قربانی قاچاق انسان به موجب ماده 4 این کنوانسیون تفسیر نمود. (§ 24).

ج. تعهدات شکلی در انجام تحقیقات

69. ماده 4 این کنوانسیون مستلزم تعهدی مثبت در انجام تحقیقات در مواردی می باشد که ظن منطقی و معتبری وجود داشته باشد دال بر اینکه حقوق یک شخص به دلیل قاچاق انسان (*Rantsev v. Cyprus and Russia*, § 288)، بندگی خانگی (*C.N. v. the United Kingdom*) یا فاحشگی اجباری (*S.M. v. Croatia* [GC], § 307)، در راستای مفاد این ماده، نقض شده است. الزامات این تعهدات شکلی به موجب ماده 4 توسط اصول همگرا در مواد 2 و 3 این کنوانسیون مشخص شده است (*S.M. v. Croatia* [GC], §§ 309-311).

70. الزامات شکلی مندرج در ماده 4 صرف نظر از اینکه رفتار از طریق دخالت عوامل دولتی یا افراد خصوصی صورت گرفته باشد، مشابه می باشد. الزام به انجام تحقیقات به شکایت قربانی یا بستگان وی بستگی ندارد، بلکه مقامات می بایست به محض اینکه متوجه موضوع شدند بر اساس نظر و صلاحدید خود اقدام نمایند. دادگاه استراسبورگ همچنین تأکید نمود که برای مؤثر بودن یک تحقیق، می بایست این تحقیق مستقل از عوامل دخیل در وقایع باشد و همچنین باید قادر به شناسایی و مجازات افراد مسئول باشد، این تعهد، تعهد به نتیجه نیست، بلکه تعهد به وسیله می باشد. با این وجود، مقامات می بایست هر اقدام معقولی را برای جمع آوری شواهد و روشن کردن شرایط و اوضاع و احوال پرونده اتخاذ نمایند. به ویژه، نتیجه گیری های تحقیقات می بایست مبتنی بر تحلیل همه جانبه، عینی و بی طرفانه همه عناصر مرتبط باشد. علاوه بر این، الزام به فوریت و سرعت معقول در انجام تحقیقات در همه موارد به طور ضمنی مورد تأکید است، اما در صورتی که امکان خارج نمودن فرد از وضعیت خطرناک وجود داشته باشد، تحقیقات می بایست بدون تردید بعنوان یک موضوع فوری انجام شود. سرانجام قربانی یا خویشاوندان نزدیک وی می بایست تا حدی که برای تضمین منافع مشروع آنان ضروری می باشد در جریان انجام تحقیقات دخالت داشته باشند. نقایص احتمالی در رویه ی مربوطه و فرآیند تصمیم گیری می بایست منتهی به نقایص قابل توجهی گردد تا بتوان آن را به عنوان موضوعی قابل طرح در راستای مفاد ماده 4 دانست. به عبارت دیگر، دادگاه استراسبورگ به ادعاهای مربوط به اشتباهات یا قصورهای موردی توجه نمی کند، بلکه فقط به نواقص اساسی و مهم در رویه انجام تحقیقات و فرآیند تصمیم گیری مربوطه توجه می نماید، یعنی مواردی که می تواند توانایی تحقیقات را در اثبات شرایط و اوضاع و احوال پرونده یا تعیین شخص مسئول تضعیف سازد (*S.M. v. Croatia* [GC], §§ 312-320; *Rantsev v. Cyprus and Russia*, § 288).

71. در زمینه خاص قاچاق انسان، علاوه بر تعهد به انجام تحقیقات داخلی درباره وقایعی که در قلمرو آن کشور اتفاق می افتد، کشورهای عضو نیز در موارد قاچاق بین مرزی وظیفه دارند تا به طور مؤثر با مقامات ذیربط سایر کشورها در بررسی و انجام تحقیقات راجع به وقایعی که خارج از قلمرو آنها اتفاق افتاده است همکاری کنند (*Rantsev v. Cyprus and Russia*, § 289 and *Zoletic and Others v. Azerbaijan*, § 191).

72. در پرونده راجع به شکایت *Rantsev v. Cyprus and Russia*، دادگاه استراسبورگ مقرر داشت که مقامات روسی در بررسی این احتمال که عوامل شخصی یا شبکه های مستقر در روسیه در قاچاق خانم "Rantsev" به قبرس نقش داشته اند، تحقیق ننموده اند. (§ 308). با این حال، در پرونده راجع به شکایت *M. and Others v. Italy and Bulgaria*، دادگاه استراسبورگ مقرر داشت که شرایط و اوضاع و احوال این پرونده منتهی به قاچاق انسان نمی گردد، وضعیتی که در صورت شروع هر گونه قاچاق در آنجا، موجب پیش کشیدن و طرح مسئولیت دولت بلغارستان می گردید (§ 169). در این پرونده، دادگاه استراسبورگ مضاف بر آن مقرر داشت که مقامات بلغارستان به شکات کمک می کنند و با مقامات ایتالیایی ارتباط و همکاری مداوم دارند (§ 169).

73. در پرونده راجع به شکایت *J. and Others v. Austria*، شکات از تصمیم دادستان مبنی بر عدم پیگیری اتهام جرایم ارتكابی در خصوص قاچاق انسان در خارج از کشور بوسیله اتباع خارجی شکایت کردند. دادگاه استراسبورگ معتقد بود که ماده 4 این کنوانسیون به موجب بخش شکلی آن، دولت ها را ملزم به اقدام جهت اجرای صلاحیت جهانی راجع به جرایم ارتكابی قاچاق انسان در خارج از مرزهای آن ها نمی کند، در همین ارتباط، این دادگاه خاطر نشان ساخت که پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق انسان، به ویژه زنان و کودکان الحاقی سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فراملی راجع به

موضوع صلاحیت قضایی ساکت می باشد و کنوانسیون شورای اروپا در زمینه اقدام علیه قاچاق انسان، صرفاً دولت ها را ملزم می سازد که به موجب صلاحیت قضایی خود علیه جرایم ارتكابی قاچاق انسان توسط اتباع در قلمرو خود- اقدام نمایند (§ 114).

74. در پرونده راجع به شکایت *Chowdury and Others v. Greece*، دادگاه استراسبورگ معتقد است که دولت یونان نتوانسته بود به تعهدات رویه ای (شکلی) خود عمل کند. به ویژه، به این دلیل که دادستان بدون توجه به گستردگی و اهمیت مسئله قاچاق انسان و کار اجباری، از طرح دعوی و شروع به رسیدگی در خصوص شکایت 21 شاکی به دلیل اینکه آنها با تاخیر شکایتشان را ارائه کرده بودند، خودداری نموده بود. (§§ 117-121). دادگاه استراسبورگ در ادامه مقرر داشت که محاکم داخلی، دیدگاه بسیار مضیقی راجع به وضعیت شکات اتخاذ نموده بودند و آن را از این نقطه نظر تجزیه و تحلیل کرده اند که آیا وضعیت این شکات با توجه به آنکه هیچ از متهمین محکوم به جرم قاچاق انسان و محکوم به مجازات مناسب نشده بودند را می توان به منزله بندگی تلقی نمود (§§ 123-127).

75. در پرونده *S.M. v. Croatia* [GC] شاکی ادعا کرد که T.M.، یک پلیس سابق، او را از نظر جسمی و روانی مجبور به تن فروشی کرده است. در حالی که بلحاظ رسمی وضعیت او را به عنوان یک قربانی بالقوه قاچاق انسان به رسمیت شناخته شد، لیکن دادگاه استراسبورگ معتقد بود که این موضوع را نمی توان به عنوان شناسایی عناصر جرم قاچاق انسان تلقی نمود. این سوال می بایست متعاقباً در دادرسی کیفری پاسخ داده می شد. دادگاه استراسبورگ با بررسی حقایق این پرونده، سه عنصر تشکیل دهنده قاچاق انسان، «استخدام» شاکی از طریق فیس بوک، استفاده از زور علیه او و همچنین پناه دادن و اسارت بخاطر بدهی احتمالی را مشخص نمود. علاوه بر این، تی ام، یک پلیس سابق، توانسته بود از آسیب پذیری او سوء استفاده کند. بنابراین دادگاه استراسبورگ دریافت که شاکی ادعای قابل بحثی را مطرح کرده است که با شواهد اولیه محکمه پسندی مبنی بر اینکه او در معرض قاچاق انسان و/یا فحشا اجباری قرار گرفته، تایید می شود. پاسخ متقابل بلحاظ شکلی به آن ادعای بحث برانگیز و شواهد محکمه پسند اولیه از نواقص مهمی مانند عدم پیروی از رویه آشکار تحقیقاتی که قادر به روشن کردن ماهیت واقعی رابطه بین هر دو طرف باشد و اتکای شدید به شهادت شاکی بدون در نظر گرفتن تاثیر احتمالی آسیب روانی بر توانایی او در ارتباط مداوم و واضح با شرایط استثمارش، برخوردار بوده است.

76. در پرونده ای راجع به ادعای قاچاق برون مرزی انسان و کار اجباری کارگران مهاجر، دادگاه استراسبورگ ادعاهای شکات را قابل بحث دانست، با توجه به اینکه اطلاعات موجود در این پرونده، به ویژه، گزارشی که توسط سازمان های غیردولتی تخصصی تهیه شده بود تا حد زیادی از شکات این گونه وقایع حمایت می کرد (*Zoletic and Others v. Azerbaijan* §§ 161-164) علاوه بر این، با توجه به اطلاعاتی که از طریق راه های مختلف در دسترس مقامات بود، مانند گزارش های کشوری ECR و GRETA و همچنین ادعای حقوقی که توسط شکات مطرح شده بود، دادگاه استراسبورگ دریافت که توجه مقامات به اندازه کافی به اتهامات قابل بحث متقاضیان در مورد قاچاق انسان و کار اجباری جلب شده بود. بنابراین، تحقیقات جنایی موثری به طور رسمی لازم بود (همان، § 200). با این حال، چنین تحقیقی در پرونده حاضر انجام نشد (*ibid*، 208).

77. علاوه بر موثر بودن روند تحقیقات راجع به سوء استفاده مورد ادعای شکات، دادگاه استراسبورگ به بررسی موثر بودن روند تشریفات راجع به مسئله صدور ویزا به شکات در پرونده *T.I. and Others v. Greece* پرداخت. با توجه به ویژه به اطلاعات موجود راجع به پدیده قاچاق انسان در روسیه و یونان در زمان مقرر و با توجه به جدی بودن ادعاهای شکات و این واقعیت که آنها مقامات را به دست داشتن در شبکه های قاچاق انسان متهم کرده اند، مقامات وظیفه داشتند تا با دقت خاصی اقدام به بررسی این امر نمایند که آیا ویزاهای شکات قبل از صدور مورد بررسی دقیق قرار گرفته بودند یا خیر و بنابراین، شبهات مربوط به درستکاری مقامات دولتی را رفع نمایند. دادگاه استراسبورگ مقرر داشت که مقامات ذیصلاح این پرونده را با میزان دقت مورد لزوم و مدت زمانی که برای انجام این تحقیقات لازم است مورد رسیدگی قرار نداده بودند که این امر منجر به مرور زمان تعقیب کیفری (جرایم جعل/استفاده از سند معجول) گردیده است. دادگاه استراسبورگ همچنین مقرر داشت شکات تا آن میزانی که ضرورت داشته در تحقیقات مداخله نداشته اند؛ چرا که تمام تلاشها برای احضار افراد جهت حضور بعنوان شاهد به جز یکی از آنها موفقیت آمیز نبوده است و هیچ تلاشی برای یافتن آنها در آدرسی که برای پیوستن به دادرسی به عنوان طرف های حقوقی در تقاضاهایشان داده بودند انجام نشده بود.

فهرست پرونده های مورد استناد

رویه قضایی مورد استناد در این کتابچه راهنما به احکام یا تصمیمات صادره توسط دادگاه و به تصمیمات یا گزارش های کمیسیون اروپایی حقوق بشر ("کمیسیون") اشاره دارد. مگر اینکه خلاف آن ذکر شده باشد، همه ارجاعات مربوط به حکمی است که ماهیتا توسط یک شعبه دادگاه صادر شده است. مخفف "(dec.)" نشان می دهد که استناد به یک تصمیم دادگاه است و "[GC]" نشان دهنده آن است که پرونده توسط شعبه عالی رسیدگی شده است.

احکام شعبه ای که در زمان بروز رسانی این راهنما در راستای مفاد ماده 44 کنوانسیون قطعی نیستند در فهرست زیر با ستاره مشخص می شوند. بند دوم ماده 44 کنوانسیون مقرر می دارد: «حکم یک شعبه قطعی می باشد (الف) زمانی که طرفین اعلام کنند که درخواست ارجاع پرونده به شعبه عالی (تجدیدنظر) را ندارند. یا (ب) سه ماه پس از تاریخ صدور رأی، در صورتی که ارجاع پرونده به شعبه عالی درخواست نشده باشد. یا (ج) زمانی که هیأت شعب عالی (هیات عمومی) درخواست ارجاع را طبق ماده 43 رد کند. در مواردی که درخواست ارجاع توسط هیأت شعب عالی پذیرفته شود، رأی شعبه قطعی تلقی نمی شود و بنابراین اثر قانونی ندارد. رای جدید شعبه عالی (تجدیدنظر)، نهایی تلقی می شود.

پیوندهای فوق به پرونده های استناد شده در نسخه الکترونیکی این کتابچه راهنما به پایگاه داده HUDOC (<http://hudoc.echr.coe.int>) هدایت می شود که دسترسی به رویه قضایی این دادگاه (احکام و تصمیمات، پرونده های ابلاغ شده، نظرات مشورتی و خلاصه اطلاعات حقوقی راجع به رویه قضایی شعب عالی، شعب بدوی و کمیته وزیران) و کمیسیون (تصمیمات و گزارشات) و قطعنامه های کمیته وزیران را فراهم می سازد.

دادگاه احکام و تصمیمات خود را به زبان انگلیسی و/یا فرانسوی، دو زبان رسمی خود، صادر می کند. HUDOC یعنی پایگاه داده اطلاعات و اسناد همچنین شامل ترجمه بسیاری از پرونده های مهم به بیش از 30 زبان غیر رسمی و پیوندهایی به حدود یکصد مجموعه حقوقی آنلاین است که توسط اشخاص ثالث تهیه شده است. تمام نسخه های زبان موجود برای پرونده های ذکر شده از طریق برگه «نسخه های زبان» در پایگاه داده HUDOC قابل دسترسی هستند، برگه ای که پس از کلیک بر روی "لینک برجسته پرونده"، قابل مشاهده می باشد.

—A—

[A.I. v. Italy](#), no. 70896/17, 1 April 2021

[Adigüzel v. Turkey](#) (dec.) no. 7442/08, 6 February 2018

[Antonov v. Russia](#) (dec.), no. 38020/03, 3 November 2005

—B—

[Bayatyan v. Armenia](#) [GC], no. 23459/03, ECHR 2011

[Bucha v. Slovakia](#) (dec.), no. 43259/07, 20 September 2011

—C—

[C.N. v. the United Kingdom](#), no. 4239/08, 13 November 2012

[C.N. and V. v. France](#), no. 67724/09, 11 October 2012

[Chitos v. Greece](#), no. 51637/12, ECHR 2015

[Chowdury and Others v. Greece](#), no. 21884/15, ECHR 2017

—D—

[De Wilde, Ooms and Versyp v. Belgium](#), 18 June 1971, Series A no. 12

—F—

[Floroiu v. Romania](#) (dec.), no. 15303/10, 12 March 2013

[Four Companies v. Austria](#), no. 7427/76, Commission decision of 27 September 1976, Decisions and Reports (D.R. 7)

—G—

[G.S. v. the United Kingdom](#) (dec.), no. 7604/19, 23 November 2021

[Graziani-Weiss v. Austria](#), no. 31950/06, 18 October 2011

—I—

[I. v. Norway](#), no. 1468/62, Commission decision of 17 December 1963

—J—

[J. and Others v. Austria](#), no. 58216/12, 17 January 2017

[J.A. v. France](#) (dec.), no. 45310/11, 27 May 2014

[Johansen v. Norway](#), no. 10600/83, Commission decision of 14 October 1985, Decisions and Reports 44

—K—

[Karlheinz Schmidt v. Germany](#), 18 July 1994, Series A no. 291-B

—L—

[L.E. v. Greece](#), no. 71545/12, 21 January 2016

[Lazaridis v. Greece](#) (dec.), no. 61838/14, 12 January 2016

—M—

[M. and Others v. Italy and Bulgaria](#), no. 40020/03, 31 July 2012

[Meier v. Switzerland](#), no. 10109/14, ECHR 2016

[Mihal v. Slovakia](#) (dec.), no. 31303/08, 28 June 2011

—N—

[N.Ç. v. Turkey](#), no. 40591/11, 9 February 2021

—R—

[Radi and Gherghina v. Romania](#) (dec.), no. 34655/14, 5 January 2016

[Rantsev v. Cyprus and Russia](#), no. 25965/04, ECHR 2010

[Reitmayr v. Austria](#), no. 23866/94, Commission decision of 28 June 1995

—S—

[S. v. Germany](#), no. 9686/82, Commission decision of 4 October 1984, Decisions and Reports 39

[S.M. v. Croatia](#) [GC], no. 60561/14, 25 June 2020

[Schuitemaker v. the Netherlands](#) (dec.), no. 15906/98, 4 May 2010

[Seguin v. France](#) (dec.), no. 42400/98, 7 March 2000

[Siliadin v. France](#), no. 73316/01, ECHR 2005-VII

[Sokur v. Ukraine](#) (dec.), no. 29439/02, 26 November 2002

[Steindel v. Germany](#) (dec.), no. 29878/07, 14 September 2010

[Stummer v. Austria](#) [GC], no. 37452/02, ECHR 2011

—T—

[T.I. and Others v. Greece](#), 40311/10, 18 July 2019

[Tibet Menteş and Others v. Turkey](#), nos. 57818/10 and 4 others, 24 October 2017

[Twenty-one detained persons v. Germany](#), nos. 3134/67 and 20 others, Commission decision of 6 April 1968, Collection 27

—V—

[V.C.L. and A.N. v. the United Kingdom](#), nos. 77587/12 and 74603/12, § 158-159, 16 February 2021

[V.F. v. France](#) (dec.), no. 7196/10, 29 November 2011

[Van der Mussele v. Belgium](#), 23 November 1983, Series A no. 70

[Van Droogenbroeck v. Belgium](#), 24 June 1982, Series A no. 50

—W—

[W., X., Y., and Z. v. the United Kingdom](#), nos. 3435/67 and 3 others, Commission decision of 19 July 1968, Collection 28

—X—

[X. v. Germany](#), no. 8410/78, Commission decision of 13 December 1979, Decisions and Reports 18

—Z—

[Zarb Adami v. Malta](#), no. 17209/02, ECHR 2006-VIII

[Zhelyazkov v. Bulgaria](#), no. 11332/04, 9 October 2012

[Zoletic and Others v. Azerbaijan](#), no. 20116/12, 7 October 2021